

سخنرانی دانشمند محترم

آقای ابن الدین

### خلوص عقیده و عمل

شنوندگان گرامی سلام بر شما پیوسته میان اصول اجتماعی بشر و آئین طبیعت ارتباط مستقیم و مشابهت تامی موجود است که این دو در بیشتر امور با یکدیگر نزدیک میباشند و کمتر موردی است که با یکدیگر انطباق کامل نداشته باشند زیرا مبانی هر دو از روی نقشه و هندسه کاملی ریخته شده و اراده ازلی در طرح آن دو بررسی دقیق کرده و آنها را بر اساس صحیح متشابه به یکدیگر استوار ساخته است.

از اینرو میتوان گفت اجتماع بشر در طرز ساختمان و طرح ریزی مانند بنایی است که مرکب از اجزاء و مواد مختلفی بوده و همان طور که یک بنا دارای اجزاء و مواد اولیه مانند آجر و سنگ و تیر آهن و غیر اینها است که میبایست بوسیله مواد دیگری از قبیل گل و گچ و آهک و مانند آنها ارتباطی میان آن اجزاء بوجود آید که آنها در استحکام و اتحاد با دیگری مانند یک چیز شوند و صورت وحدت بخود گیرند و بقدری این مواد مختلف یکدیگر را بخود جذب کنند و بهم متصل شوند که جای خالی در میان آنها وجود نداشته باشد که باعث انفکاک از هم شوند یا جدا

همینطور است اجتماعات بشری ابتدا از مواد اولیه تشکیل شده که عبارت از افراد بشر از بزرگ و کوچک و غنی و فقیر و زن و مراد و عالم و جاهل و غیر اینها میباشد از آن پس حدود و مقرراتی لازم است که میان آنها رابطه ایجاد کند و آنان را با یکدیگر نزدیک سازد و میان آنها هم آهنگی به وجود آید تا بدین وسیله کاروان خود را بسر منزل سعادت برسانند.

افراد مختلف بشر مانند آجر و سنگ و تیر آهن است و مقررات اخلاقی و اجتماعی مانند گل و گچ و غیر آنهاست که میان آنان رابطه ای بوجود میآورد و آنها را با هم متحد میسازد و باعث اتحاد و ضامن بقای آنها میگردد.

پس اگر اصول و مبانی اجتماعی و اخلاقی در میان بشر وجود نداشته باشد مانند آجر و سنگی است که بر روی هم چیده باشند بدون آنکه بوسیله گل و یا آهکی آنها را با هم متحد سازند بدون تردید در مقابل مختصر حادثه ای از هم پاشیده میشود و برای هر کس آسان است که آنها را از هم جدا کند و توده از آجر و سنگ بوجود آورد.

علمای اجتماع و اخلاق این قبیل افراد را بجامعه تعبیر نمیکنند اشخاص مختلفی که برای

خرید کالا هائی در بازار و حراج گرد می آیند که میان آنها رابطه وجود ندارد همان طور که هر گاه بنائی مرکب از مواد اولیه محکم و سخت مانند سنگ و آهن بوده و این مواد را بوسیله مواد محکمی دیگر با هم ارتباط دهند و در ساختمان آن دقت کامل بعمل آورند و مهندس آن دقیق ترین افکار خود را در طرح ریزی آن بکار برد و مراقبت کامل در عملی شدن آن نقشه بعمل آورد و از هیچگونه کوشش در استحکام ساختمان آن خود داری نکند این بنا میتواند در مقابل انقلابات و حوادث جوی سالیان دراز مقاومت کند و در مقابل بارندگی و زلزله و طوفان وسیل خود را نگاه دارد.

و بر عکس هر گاه از موادی سست و پوسیده مانند خشت و چوب و خاکستر بنا شده و در طرز ساختمان آن دقت کامل بعمل نیامده باشد طولی نخواهد کشید که خود بخود از هم گسیخته و شکافهای در آن پدید آمده بفروری ویران خواهد شد باعث خسارت اموال و نفوس خواهد گردید. هر چند بصورت در نهایت زیبایی بوده و نقاشیهای جالبی در آن بکار رفته باشد مادام که اساس و مواد اولیه آن محکم نباشد بهیچوجه نمیتوان بدوام آن اطمینان داشت و نقاشی ظاهر و رنگهای فریبنده آن ضامن بقا این بنا نمیباشد و ممکن است اشخاص ظاهر بین که عقل آنها در چشمان است فریفته ظاهر آن شوند و نسبت بآن ابراز علاقه کنند و در آن سکونت گزینند و لسی پس از مدتی به اشتباه خود پی میبرند و از کرده خود پشیمانی حاصل می نمایند.

چنین است اوضاع اجتماعی اگر افراد اجتماع مرکب از اشخاص عاقل و دانشمند و روشن فکر و دوراندیش بوده و اصول و مبانی اخلاقی از قبیل راستی درستی نوع پرستی عواطف مهر ورزی و کمک یکدیگر و غیر اینها رابطه میان آنها را محکم سازد مانند آن بنای مستحکمی است که از مواد سختی ساخته شده است و بدون تردید در مقابل حوادث و انقلابات مقاومت میکنند و موجودیت و هستی خود را از دست نمیدهد.

برعکس اگر افراد آنها عبارت از عده ای جاهل و خرافی و تنبل و بی فکر و سبک مغز و از این قبیل بوده و مبادی اخلاقی هم میان آنها حکمفرمایی نداشته و همه دزد و خائن و خودخواه و جاه طلب و مانند اینها باشند بدون تردید در مقابل حوادث اجتماعی در قدم اول شکست خورده و نابود میشوند هر چند ظاهر آنها خیلی آراسته باشد زیرا ظاهر آراسته با فکر غلط و دماغ تو خالی و اخلاق فاسد نتیجه ندارد.

آری اجتماعی که تنها وجه نظر خود را آراستگی ظاهر قرار دهد و به معنویات و اصول اخلاقی پشت پا زند و بیوسته در بند شهوت رانی و هوا و هوس و عیش و نوش بوده و هیچگاه با صلاح و بهبود وضع اشخاصی غیر از خود نظری نداشته باشد طولی نخواهد کشید که محکوم به فنا و اضلال گردد خداوند در قرآن کریم میفرماید اذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفها فقمرنا فيها فحق عليهم القول فدمرناهم تدمیرا ( مقصود این آیه مبارکه این است که آن جمعیت که بیولسته در صدق عیش و نوش و فسق و فجور باشند و نظری بامور اجتماعی و اصلاح خود نیندازند

بزودی محکوم به فنا و نیستی خواهند گردید .  
برگردیم باصل موضوع اینک میگویم تنها وجود مصالح ساختمانی محکم از سنک و آهن و بتون و آهک کافی نیست زیرا ممکن است بنای محکمی را با هندسه دقیق بر روی پایه سستی بنا کنند و یا برتل خاکی قرار دهند بازهم نمیتوان به بقای آن بنا با وجود استحکام ساختمان آن اطمینان داشت زیرا اساس سست است

از این جهت است که مهندسین و معمار های ماهر که طالب بقای بنائی برای مدت مدیدی میباشند ابتدا در مقام استحکام پایه بر میآیند و بنا را بر زمینی دست نخورده قرار میدهند و یا بقدری در اعماق زمین کاوش میکنند و آنرا میکنند تا اطمینان به محکمی آن زمین حاصل کنند زیرا می دانند که بدون دقت در این باره کوشش آنها نقش بر آب است و نتیجه زحمت آنها جز تولید خسارت و هلاکت نفوس نخواهد گردید .

چنین است اوضاع اجتماعی هر گاه جمعیتی مرکب از اشخاص عالم و تحصیل کرده و روشن فکر باشند و در میان آنها مراتب معاضدت و معاونت و کلیه مراسم اجتماعی و نظایر آن وجود داشته بازهم نمیتوان به بقای این جمعیت اطمینان داشت .

مادام که اساس اجتماع آنها بر پایه محکمی قرار نگرفته باشد اینجا به مقصد اصلی که موضوع سخنرانی ماست میرسیم و تمام این مقدمات و این مثالها و تشبیه ها برای اثبات این منظور است که بدانیم آن اصلی که پایه اجتماع را تشکیل میدهد و سازمان اجتماعی جوامع بشری بر آن قرار میگیرد و هر جمعیت که تشکیلات آن بر این پایه قرار گرفت بخوبی میتواند به بقای خود اطمینان حاصل کند چیست ؟ چه اصلی است که ضامن بقا و موجودیت هر جمعیت است چه چیز را جمعیت بیش از همه باید بآن اهتمام داشته باشد و آنرا هدف و وجه همت خود قرار دهد و صدی

صد اعمال خود را بر آن استوار سازد تا آنکه سعادت جمعیت خود را تضمین کند .  
بعقیده من آن اصل که پایه تمام مبانی اخلاقی است خلوص در عمل و پاکی نیت است اعمالی که بر پایه خلوص و ایمان حقیقی قرار نگرفته باشد مانند آن بنائی است که بر تل خاکی ساخته باشند .

جمعیتی که میان آنها اصل معاضدت و همراهی و کمک وجود داشته باشد و افراد آن همه دانشمند و روشن فکر باشند ولی این معاونت همه بمنظور استفاده های مادی و اغراض شخصی باشد نتیجه درستی ندارد زیرا هر گاه کمک بزرگ دستان فقط به منظور آن باشد در موقعی که برای او بیش می آید کاری از او بکشد البته در موردی که بداند از شخصی کاری ساخته نیست آن تعاون بعمل نمی آید .

و هر گاه مشکلی برای یک بیچاره ای پدید آمد کرد اگر وجهه نظر فقط برای این باشد که در موقع دیگر از آن شخص استفاده کند جریان روزگار بر آن قرار میگیرد که متصدیان امور و کسانی که حل و عقد کارها بدست آنها است فقط تقاضای کسانی را انجام دهند که اطمینان

داشته باشند دنباله انجام این عمل او تلافی بمنثل خواهد گردید .  
اینجاست که اطمینان اشخاص از یکدیگر سلب میشود صمیمیت و صفا از میان آن جمعیت  
رخت برمیپندد همه پیر و منافع شخصی میشوند از اینرو نمیتوان این قبیل معاوتتھائی که میشود آنها  
را تعاون اخلاقی نامید زیرا آن معاوتت و کمک بمنزله کسب و تجارت است هر گاه در مقابل انجام  
آن خدمت خدمتی انجام داد دوباره آن شخص میتواند با و رجوع کند و گرنه دیگر انتظار  
خدمت ثانوی نباید داشته باشد .

نتیجه این میشود که همه بینوایان بیچاره و درمانده میمانند و حس مقدس حقیقتخواهی از  
میان میرود قرآن بموضوع اخلاص عقیده و عمل اهمیت کامل قائل شده و آنرا وجه نظر خود قرار  
داده و پیروان خود را پیوسته به پیروی از این حقیقت دعوت میکند بلکه میتوان گفت این معنی مهمترین  
منظوری است که اسلام و قرآن در باره آن پافشاری کرده است .  
بدست آوردن تمام مواردی که قرآن در این باره به آن اشاره کرده است فوق احصاء  
میباشد تنها چند آیه از آنرا گوشزد شنوندگان گرامی میکنم سوره ۲/۳۹ .

( انا انزلنا اليك الكتاب بالحق فا عبد الله متخلصا له الدين الاله الدين الخالص ۲/۳۹ )  
ما این کتاب را از روی حقیقت برای تو فرستادیم خداوند را با اخلاص پرستش کن دین خالص  
مخصوص خداوند است .

مقصود این است که هر عملی که باعث تقرب و نزدیکی بخداوند است باید از روی خلوص  
انجام گیرد بمنظور تظاهر و ریا و نمایش دادن بدیگران نباشد و گرنه در در گام خداوند هیچوجه  
ارزشی ندارد .

اعمال اغراض شخصی و انجام دادن کار و خدمتی بمنظور تظاهر و ریا فوق العاده در شریعت  
اسلام مذموم و نکوهیده است باید کارها بمنظور رضای حق و نوع پرستی انجام گیرد .

انجام عمل برای خداوند عبارت از همان عمل بمنظور مصالح اجتماعی است زیرا کسانی  
که عملی را برای خداوند انجام میدهند غرض شخصی در آن مدخلیت ندارد شایبه تظاهر در آن نیست  
بمنظور داد و ستد اینعمل را انجام نمیدهند در مقام تلافی و جبران آن نیستند بر او منت نمینهند یا  
نظر حقارت به آن شخص نگاه نمیکند او را برای همیشه وادار به تعلق و چایلوسی از خود نمیکند

اینها نتیجه عمل خالص و بمنظور رضای حق است .  
در جای دیگر میفرماید ( ان المناقین فی الملوك الاسفل من النار ولن تجد لهم نصيرا الا  
الذين تابوا واصلحوا واعتصموا بالله واخلصوا دينهم لله فاولئك مع المؤمنين وسوف يؤتى الله المؤمنین  
اجرا عظیما ۱۴۵/۴ )

یعنی اشخاص دورو درمتمتها درجه پستی و عذاب هستند و آنان را یاوری نیست مگر آنهایکه  
از کرده خود پشیمان شوند و با مور اصلاحی قیام کنند و بخداوند متمسک شوند و اعمال دینی خود  
را خالص برای خداوند قرار دهند .

۱۴۵/۴

اینان با مؤمنین هستند و خداوند به کسانی که دارای ایمان هستند پاداش بزرگ عطا خواهد فرمود .

خداوند در این آیه از نفاق و دورویی انتقاد سخت کرده و آنها را بی یاور و تنها در اجتماع معرفی نموده است .

آری منافق مورد اعتماد هیچکس نیست و همواره از نظر یا ورودوست تنها است آنگاه بشر را دعوت باخلاص درعمل و ایمان فرموده است که مهمترین عامل موفقیت همان ایمان و اخلاص عمل است .

مهمترین سر موفقیت پیغمبر اسلام همان اخلاص او بود زیرا همه با لیبان میدیدند او نظر شخصی ندارد مقصود اصلاح حالت فاسد اجتماع است منظور مادی ندارد در مقام تحمیل شخصیت خود بر دیگران نیست بول پرست نیست این حقایق و صدها نظیر آنرا در وجود او بدون هیچگونه شك و تردید میدیدند و پیوسته باو میگریه ویدند تا آنکه جمعیت مهمی که خواهان حقیقت بودند تشکیل داد و متوجه بودند اگر باغراض شخصی با وی قیام کنند طولی نخواهد کشید مقصود پلید آنها کشف می شود و در قدم اول شکست میخورند .

در اینجا بی مناسبت نیست که گفته لامارتین فرانسوی در سر موفقیت پیغمبر اسلام که عبارت از همان اخلاص درعمل است بسمع شنوندگان محترم برسائیم .

او میگوید آیا شما تصور میکنید که محمد اهل خدعه و تدلیس و دروغ بوده است چنین نیست هنگامی که ما تاریخ زندگانی او را بدقت میخوانیم بخوبی می فهمیم که وی از این قبیل صفات کاملاً مبری است زیرا مخالف است کسی که اهل خدعه و تزویر باشد دارای چنین نیروی عظیم و قوت عقیده باشد هیچوقت نفاق و دروغ چنین نیروی را ندارند :

در علم طبیعی ثابت شده است که مقدار سیر گلوله تابع نیروی است که در توپ آن موجود است هر اندازه که آن سیر بیشتر باشد هدف آن دورتر و مقدار سیرو برد آن گلوله بیشتر خواهد بود وقتی این معنی را با نتیجه عمل پیغمبر اسلام تطبیق می کنیم می بینیم آتاری که در عالم این شخصیت بزرگ بوجود آورد و برای همیشه باقی گذاشت کاشف از نیروی عظیم وحی و قوه قلب و عظمت وجدان و فکر بلند او می باشد و بخوبی ثابت می شود که تعالیم او از روی وحی است زندگی پر افتخار و مجاهده و مقاومت او با بت پرستی و مبارزه وی با خرافات جاهلیت و شهادت و جرات او در مقابل دشمنان و کوشش چندین ساله او در میان مخالفین خود که در معرض سخریه آنها قرار گرفت با اینوصف در پیشرفت مقاصد خود پا فشاری کرد و با عده کم با مخالفین از در پیکار درآمد و بدون هیچ بیم و هراس بقلب لشکریان دشمن حمله میبرد و با شکیبائی تمام برای اعلای کلمه خود قیام کرد تا آنکه مرام خود را عملی ساخت و آنها را پا برجا کرد .

از همه اینها بخوبی پیداست که منظور او سلطنت و تشکیل امپراتوری مانند سلاطین معاصر خود نبوده تا آنکه پس از موفقیت برحمت الهی پیوست و خداوند او را در جوار رحمت خود جای داد و پس

از مارك وى دنباله مقاصد او پيوسته با موفقيت توأم بود همه اينها دليل بر آن است كه ينيغبر اسلام اهل  
 خدعه و تزوير نبوده بلكه داراي عقیده خالص و يقيني كه سراسر روح او را گرفته است بوده همان  
 روحی كه برای بشر فكر عقیده توحيد يعنى وجود خداوند واحد منزّه از ماده را ارمان آورده و افكار  
 بت پرستی را از میان برداشت و خداوندان دروغی را نابود كرد و راه فكر و نظر را برای فلاسفه و خطبا  
 و فاتحین و مبلغین و ناشرین عقاید روشن ساخت و مؤسس دین شد كه در آن بت پرستی و صورت سازی  
 بهیچوجه وجود ندارد و موجد حدود ملیت حكومت و دولت در زمین گشت و فاتح دولت آسمانی از  
 ناحیه روح و قلب گردید .

آری این شخص همان محمد است اکنون می خواهیم به بینیم در تمام عالم کدام شخص را  
 می توانیم در مورد مقایسه با او و با این فضائل هم سنك او قرار دهیم و کدام بشری توانسته است  
 تا این درجه مراحل ترقی و تكامل را جز محمد بیساید .

تا اینجا ترجمه سخنان پاكدلانه لامارتن یکی از مهمترین شخصیت های اروپای متمدن بود .  
 آیا این سخنان برای کسانی كه به ینيغبر اسلام و تعلیمات او بانظر تحقیر مینگرند برهان  
 كافی و دليل متین نیست !

آیا این سخنان حجت بر این قبیل اشخاص نمی باشد ؟  
 اشخاص كوته نظر بمحض این كه چند سطر از علوم طبیعی بخوانند فوراً در عقاید دینی آنها  
 ضعف و فتوری رخ میدهد و تنور را عبارت از بی دینی و انكار نبوت میدانند  
 در هر صورت دانشمندان عالی رتبه چنین نیستند و آنها از روی نظر دقیق و انصاف جریانات  
 امورا مورد بررسی قرار می دهند این بود نمونه مختصری از لزوم اخلاص در عمل و عقیده در پایان  
 خیلی از شنوندگان محترم بوزش طلبیده و سعادت آنها را از خداوند متعال خواستار میباشم .

### رتال جامع علوم انسانی

در این کتاب جامع علوم انسانی، به بررسی و تحلیل مسائل اجتماعی، فرهنگی و فلسفی پرداخته شده است. این اثر به عنوان یک منبع ارزشمند برای دانشجویان و محققان در زمینه علوم انسانی شناخته می‌شود. در این کتاب، به بررسی مفاهیم اساسی و پیچیده در حوزه‌های مختلف از جمله فلسفه، جامعه‌شناسی، روانشناسی و تاریخ پرداخته شده است. همچنین، به تحلیل تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول تاریخ و تأثیر آن‌ها بر زندگی بشر در زمان حال پرداخته شده است. این کتاب با زبانی ساده و روان، مطالب عمیق و پیچیده را به گونه‌ای قابل فهم ارائه می‌دهد که برای مخاطبان گوناگون مناسب است. در ادامه، به بررسی برخی از مباحث کلیدی مطرح شده در این کتاب خواهیم پرداخت.